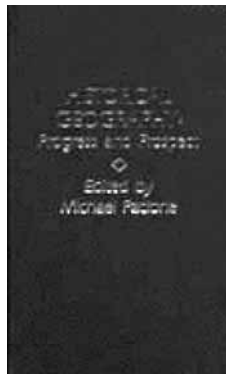


# چشم انداز جغرافیای تاریخی

میرهادی حسینی

عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت معلم (خوارزمی) تهران



جغرافیای تاریخی: توسعه و چشم انداز

گردآورنده: میشل پاسیون

- **Historical geography: progress and prospect**
- **Michael Pacione , University of Strathclyde, UK**
- **Paperback: 306 pages**
- **Publisher: Routledge**
- **Language English**

درآمد

یافتن کتابی در حوزه‌ی جغرافیای تاریخی، که بر اساس نظر محققین این رشته نوشته شده باشد، کاری مشکل است. این سختی باعث شد تا نگارنده، پس از آگاهی از این نکته که قرار است ویژه نامه‌ای در این خصوص توسط ماهنامه‌ی «کتاب ماه» منتشر شود، به دنبال اثری ارزشمند در این حوزه باشد تا این که این کتاب را در درس جغرافیای تاریخی دوره‌ی دکتری استاد ارجمند جناب آقای دکتر شیخ نوری یافتم. تورق و مطالعه‌ی بخش‌هایی از این کتاب (به ویژه فصل اول و دوم کتاب) موجب شد این نوشتار را تهیه کنم. لذا شایسته است ضمن سپاس از آقای دکتر شیخ نوری که ما را با این کتاب آشنا ساخت، یادآور شوم که متأسفانه این کتاب (علی‌رغم این که یکی از منابع مهم برای شناخت مبانی نظری جغرافیای تاریخی است)، هنوز به فارسی ترجمه نشده است. از آن‌جا که فصل اول این کتاب، مهم‌ترین مباحث مورد نظر ما را مد نظر قرار داده، لذا در این مقاله مورد توجه خاص قرار گرفته است.

کتاب جغرافیای تاریخی: توسعه و چشم‌انداز در ده فصل تنظیم شده و عناوین این ده فصل عبارتند از:

فصل اول: تئوری و متدولوژی در جغرافیای تاریخی، آر. باتلین

فصل دوم: مواد خام در جغرافیای تاریخی، ژ. د. هامشر (Hamshire)

فصل سوم: عصر تاریکی، ج. وایتینگتن (Whittington)

فصل چهارم: اقتصاد و جامعه در قرون وسطی، د. وایت

فصل پنجم: کشاورزی و جامعه‌ی روستایی، ر. والتون

فصل ششم: جغرافیای تاریخی تغییرات صنعتی، ج. پولی

فصل هفتم: مردم و مسکن در جامعه‌ی صنعتی، آر. دنیس (Dennis)

فصل هشتم: آمارنگاری تاریخی، پ. اوگدن (Ogden)

فصل نهم: ساختارشناسی (ریخت‌شناسی) شهری، ژ. آر. وایتاند

(Whiteahd)

فصل دهم: مسکن (زیستگاه) شهری، ب. ک. روبرتز (Roberts)

از مهم‌ترین و احتمالاً کارآمدترین بخش‌های این کتاب در حوزه‌ی جغرافیای تاریخی است. رابین باتلین (Robin Butlin)، استاد کالج کویبن‌مری، دانشگاه لندن در انگلیس در این فصل و در مقدمه‌ی مطالب خود با عنوان «طبیعت و جوهره‌ی توسعه در جغرافیای تاریخی»، ضمن بیان این مطلب که «ارائه‌ی یک اتفاق نظر از پیشرفت و توسعه در جغرافیای تاریخی» مطابق یک الگوی علمی، کاری مشکل است»، اذعان می‌دارد که حتی بنیادی‌ترین فرضیات و نظریات راجع به مفهوم توسعه در جغرافیای تاریخی و حتی بیان ماهیت چنین الگویی نیز مناقشه‌برانگیز بوده و با بحث و جدل فراوان همراه است. بنابراین ماهیت این مباحث فوق‌العاده پیچیده است و باید به جنبه‌های مختلف حقوقی و زبان‌شناسی توجه کرد و مفاهیم فرهنگی منتقدین را مد نظر قرار دهد.

باتلین نتیجه می‌گیرد که این مباحث باعث شده در خلال یک دهه، یعنی از اواسط دهه‌ی ۱۹۷۰ تا اواسط دهه‌ی ۱۹۸۰، شاهد پیشرفت‌های جالبی در تئوری و متدولوژی علم جغرافیای تاریخی باشیم.

از نظر مؤلف، طی دهه‌های اخیر متدولوژی مبتنی بر تجربه‌گرایی (Empiricist) و عمل‌گرایی یا اثبات‌گرایی (Positivist) به طور قابل ملاحظه‌ای در مباحث درونی جغرافیای تاریخی مورد پذیرش قرار گرفته است. به علاوه این‌که تحول و توسعه در تئوری و متدولوژی در مبحث جغرافیای تاریخی موجب شده جغرافیای تاریخی به ویژه نقش گسترده‌ای در علم جغرافیا و جغرافیای انسانی پیدا کند.

باتلین با جمع‌بندی نظرات محققین در حوزه‌ی مبانی علم جغرافیای تاریخی به این نتیجه می‌رسد که «نکته‌ی مهم در جغرافیای تاریخی این است که بتوان از یک موقعیت مرکزی، به یک موقعیت پیرامونی که بیش‌تر به جنبه‌های انسانی می‌پردازد، منتقل شویم».

بر همین اساس است که باتلین معتقد است: «توسعه‌ی جغرافیای انسانی از طریق عمل‌گرایی است که به واسطه‌ی کارهای برخی از جغرافی‌دانان تاریخی هدایت می‌شود و این‌که دست‌کم جغرافیای تاریخی در متریقی‌ترین شکل خود، گوشه‌ای از جغرافیای انسانی محسوب می‌شود».

شاید بتوان جمله فوق را به نوعی چکیده‌ی نظرات باتلین در مباحث خود دانست.

این‌که جغرافیای تاریخی در شکل مترقی خود، کاملاً به جغرافیای انسانی نزدیک می‌شود، باعث شده باتلین به این حقیقت برسد که یکی از پیامدهای این تغییر روش، افزایش توجه به مسائل تاریخی در جغرافیای انسانی است که با توسعه‌ی قابل توجه گفت‌وگو و مناظره با دیگر علوم اجتماعی همراه است. ممکن است این به معنی یک چرخش کامل باشد اما جغرافی‌دانان تاریخی به آسانی می‌توانند به قالب‌ها و شکل‌های مختلفی (گرچه در شکل مدرن آن) از جغرافیای فرهنگی و انسانی مراجعه کنند؛ یعنی همان چیزی که از آن تحت عنوان «جغرافیای انسانی جدید» و «جغرافیای فرهنگی جدید» یاد می‌شود.

باتلین قبل از پرداختن به جزئیات فوق، ضروری می‌داند مفهوم «توسعه

در تئوری و متدولوژی جغرافیای تاریخی» را مورد کنکاش قرار دهد. در این‌جا باتلین با استناد به نظریات برجسته‌ترین محققین رشته‌ی جغرافیای تاریخی، این مفهوم را به نقد می‌کشد. یکی از این محققان، دنیس است که در بررسی مفهوم تئوری و توسعه در جغرافیای تاریخی، با اشاره به نظریه‌ی تاریخی وینگ (یک حزب در انگلیس قدیم) و نظریه‌ی تاریخ ادراکی و...، اظهار می‌دارد که این نظریه برای جغرافیای تاریخی، «کاربست‌پذیر» است. محقق بعدی، کندی است که در بررسی انتقادی خود از تغییرات دو کتاب جغرافیایی که در دو زمان (یکی صد سال پیش‌تر و دیگری چهل سال پیش نوشته شده) اظهار می‌دارد که «این تحول احتمالاً ناشی از آن است که داستان شرح داده شده تحت‌الشعاع هجوم پی در پی امواج قدسین است». مک‌کاس کین، محقق بعدی مورد نظر باتلین است که مشابه همین نظر را در جلد چهارم کتاب تاریخ استرالیا ذکر می‌کند، به ویژه این‌که تاریخ اقتصادی و جغرافیای تاریخی، بیش‌تر به سمت توسعه تمایل دارند.

به هر حال از منظر باتلین «نظریه‌ی توسعه (جغرافیای تاریخی) از منظر عملی (Practical) و ایدئولوژی مد نظر نیست. زیرا در زمینه‌ی ایدئولوژی، دست‌کم در اندیشه‌های غربی، توسعه یک امر حقیقی و واقعی نیست بلکه یک امر «تکنیکال و علمی» است. توسعه، یک مفهوم گسترده است و به امور دیگر وابسته است.

باتلین با صراحت بیان می‌کند که «از منظر عملی، توسعه به معنی ارتقاء درک فعال دانشمندان از اندیشه‌های جدید در مباحثات و مناظرات است که ممکن است یکی از راه‌های رسیدن به علم باشد».

باتلین در ادامه‌ی مباحث خود به این نکته نیز اشاره می‌کند که گرچه بسیاری از کارهای انجام شده در جغرافیای تاریخی، در مقیاس محلی و ناحیه‌ای انجام شده، در عین حال باید قبول کنیم که مباحث ملی و بین‌المللی، به رشد گروه‌های پژوهشگر (که توسط بیکر Baker توصیف شده‌اند) کمک می‌کند. مانند مجموعه همایش‌ها با عنوان «اتحاد جغرافیای بین‌المللی» که در سال‌های ۱۹۷۹ در مسکو، ۱۹۸۰ در توکیو و ۱۹۸۴ در پاریس برگزار شد.

در این همایش‌ها، این نکته مطرح شد که بر اساس دیدگاه بیکر، توسعه در جغرافیای تاریخی و همکاری بین‌المللی در میان جغرافی‌دانان تاریخی، به هم وابسته است. البته عواملی مانند «زبان‌های خارجی» و «افکار بیگانه» دلیل‌کننده حرکت به این سمت است. از این زمان، ما شاهد انتشار آثار پژوهشی هستیم.

باتلین معتقد است «گروه پژوهشی جغرافیای تاریخی» (Historical Geography Research Group) در مؤسسه‌ی جغرافی‌دانان انگلیس، مهم‌ترین مرکز پژوهشی در حوزه‌ی جغرافیای تاریخی است.

این مرکز پژوهشی از اواخر دهه‌ی ۱۹۶۰ کار خود را شروع کرده و یکی از مهم‌ترین آثار این مرکز، انتشار مجله‌ای با عنوان مجله‌ی «جغرافیای تاریخی» است که اولین شماره‌ی آن در سال ۱۹۷۵ منتشر شد.

سایت اینترنتی گروه پژوهشی جغرافیای تاریخی که با حروف HGRG شناخته می‌شود، از طریق آدرس اینترنتی زیر، برای محققان قابل

موضوع ترمینولوژی (شناخت اصطلاحات و واژگان علمی) به ویژه در جغرافیای تاریخی هم یکی از مشکلات اساسی به حساب می‌آید. بر اساس نظریات داربی و بیگو، توسعه‌ی متدولوژی (در جغرافیای تاریخی) از طریق کاربرد منابع جدید، ارزیابی مجدد و پالایش منابع شناخته شده و همچنین به کارگیری تکنیک‌های جدید تجزیه و تحلیل، انجام می‌گیرد. مسأله‌ی بعدی در مقاله‌ی باتلین، «کاربرد رایانه در تجزیه و تحلیل ماده‌ی خام جغرافیای تاریخی» است. این که ماده‌ی خام در جغرافیای تاریخی چیست و چه رابط‌های با ماده‌ی خام در تاریخ دارد، البته از چشم باتلین پوشیده مانده و به نحو شایسته‌ای در فصل بعدی توسط ژ.د. هامشر (Hamshere) به بحث گذاشته شده است.

همچنین باتلین بر این باور است که «کاربرد کارتوگرافی (نقشه‌برداری) از زمین و استفاده از تصاویر نقشه‌های هوایی» تأثیر ارزشمندی در کاوش‌های باستانی دارد. بر همین اساس، مبحث جدیدی به نام نقشه‌برداری تاریخی (Historical Cartography)، به ویژه در دهه‌های گذشته در آمریکا، و توسط محققانی همچون: هارلی (Harley)، اندرس (Andrews)، و دی وورسی (De Vorsey)، مطرح شده است.

مطالعه‌ی فصول دیگر کتاب نیز خالی از لطف نیست، به ویژه فصل دوم با عنوان «مواد خام در جغرافیای تاریخی» که توسط ژ.د. هامشر تألیف شده است. وی در این فصل به نحوی نه چندان مفصل (و البته مفید) به نقش ارزشمند «ماده‌ی خام» در جغرافیای تاریخ می‌پردازد. «ماده‌ی خام در جغرافیای تاریخی» تفاوت اساسی با «ماده‌ی خام در تاریخ» دارد گرچه با آن بی‌ارتباط نیست. تحقیقات این فصل نشان می‌دهد که ماده‌ی خام تاریخی بسیار فراخ‌تر و فربه‌تر از ماده‌ی خام در جغرافیای تاریخی است و با توجه به رویکرد کلاسیک جغرافیای تاریخی به جغرافیای انسانی، ایده‌ی کاربرد «آمار، رایانه و نقشه‌کشی» جایگاه ارزشمندی در تبیین ماده‌ی خام جغرافیای تاریخی خواهد داشت.

توجه به ویژگی‌های زمین‌شناختی یک منطقه، ناهمواری‌هایی که در طول دوران‌های زمین‌شناسی ایجاد شده (مانند آتشفشان، زلزله، سیل و...)، اسناد، فسیل و بقایای بر جای مانده، از مهم‌ترین ماده‌ی خام‌های جغرافیای تاریخی است.

### پی‌نوشت

- ۱- با بررسی اجمالی مقالات این فصلنامه، به این نتیجه رسیدم که نویسندگان مقالات این مجله، رویکرد اصلی مطالب خود را به مباحث زیر اختصاص داده‌اند:
  - دلایل و ریشه‌ی مهاجرت اقوام به یک منطقه.
  - برای درک مبانی نظری جغرافیای تاریخی، ابتدا باید با مبانی نظری مفهوم تاریخ آشنا شویم.
  - دلایل اشغال یک منطقه از زمین و حمله‌ی اقوام وحشی یا متمدن به یک منطقه.
  - کاربرد اسناد تاریخی در نقشه‌برداری از مناطق قدیمی برای مشخص کردن چگونگی پیدایش حیات اولیه‌ی گیاهی.
  - ارتباط GIS (سیستم اطلاعات جغرافیایی) با جغرافیای تاریخی.

<http://www.hgrg.org.uk>

این مؤسسه پژوهشی، به عنوان معروف‌ترین و بزرگ‌ترین مؤسسه‌ای است که به صورت تخصصی در حوزه‌ی جغرافیای تاریخی به فعالیت‌های علمی مشغول است. این مؤسسه تاکنون بیش از چهارصد محقق و متخصص را از سراسر به عضویت پذیرفته و از نظر مدیریتی و مالی، زیر نظر انجمن جغرافیایی سلطنتی انگلیس (و یا مؤسسه‌ی جغرافی‌دانان انگلیس) قرار داشته و از طریق این سایت می‌توان به اطلاعاتی در زمینه‌ی اعضای مؤسسه، خبرنامه‌ی الکترونیکی، مجله، کنفرانس‌ها و... دسترسی پیدا کرد. پروفیسور کاترین لیشون (Prof. Catherine Leyshon) مدیریت این مؤسسه‌ی پژوهشی را به عهده دارد و می‌توان از طریق آدرس پست الکترونیکی زیر با وی مکاتبه کرد:

[c.brace@exeter.ac.uk](mailto:c.brace@exeter.ac.uk)

لازم به ذکر است که مهم‌ترین بازتاب علمی این مؤسسه، انتشار فصلنامه‌ی علمی- پژوهشی «جغرافیای تاریخی» است که از تأیید ISI نیز برخوردار است. این مجله از طریق سایت‌های Science Directory و Elsevier در پایگاه دانشگاهی ایران در دسترس هستند.<sup>۱</sup> همچنین مجله‌ی هلندی جغرافیای تاریخی که از ۱۹۸۳ انتشار یافت و مجموعه‌ای از مقالات در خصوص جغرافیای تاریخی که در سمیناری در دانشگاه بن (آلمان) چاپ شد و نیز مجله‌ی «جغرافیای تاریخی» ژاپن.

باتلین به این نتیجه رسیده که در تمام این نشریات، به مسأله‌ی توسعه‌ی تئوری و متدولوژی در جغرافیای تاریخی اشاره می‌شود. البته در کشورهای سوسیالیستی، از دریچه‌ی دیگری به مسأله‌ی متدولوژی و تئوری نگاه می‌شود. به عنوان نمونه، کشور چکسلواکی، که مسأله‌ی تئوری و متدولوژی در جغرافیای تاریخی، بیش‌تر از نگاه جغرافیای اقتصادی مد نظر قرار گرفته است.

این کشورها به موضوع اطلس‌های تاریخی اهمیت فوق‌العاده‌ای می‌دهند در حالی که در کشورهای کاپیتالیستی (غربی) جغرافیای تاریخی در قالب گذر از فئودالیسم به کاپیتالیسم (سرمایه‌داری) مد نظر است، و کشورهای سوسیالیستی به صورت گذار از کاپیتالیسم به سوسیالیسم. به هر حال باید قبول کنیم که از منظر باتلین مفهوم توسعه در تئوری و متدولوژی در جغرافیای تاریخی، بسیار وسیع و فراخ است. کشورهای آفریقایی، آسیایی و غربی و سوسیالیستی، هر یک روش خاص خود را دارند.

برای نمونه: مطالعاتی که در جغرافیای تاریخی در فرانسه انجام شده، نشانگر پیوستگی مداوم به منابع سنتی (کلاسیک) و دوری از تئوری است. در حالی که در آلمان، تأکید زیادی به مسأله‌ی روابط محیطی (Environmental Relations) می‌شود، که نشانه‌ی علاقه و توجه بیش‌تر به مسأله‌ی تئوری و متدولوژی است.

مفهوم توسعه در جغرافیای تاریخی در آمریکا و کانادا، به شدت به موضوع تهذیب و پالایش سنن تاریخی فرهنگی مربوط می‌شود. به این ترتیب، مباحث متدولوژی و تئوری در آمریکا، حول وحوش مسائل انسانی و